

وظیفه و مسئولیت اقتصادی زن از نگاه قرآن

سیده ژاله کارجو¹، شهرام رحمانی²

چکیده

از آفرینش انسان تا که امروز، زن و مرد همراه هم بوده‌اند و زن دوشادوش مرد در همه حال با او همکاری کرده است. علاوه بر کار خانگی و بچه‌داری در فعالیتهایی چون مزرعه داری و دامداری و ریسندگی و بافندگی و... مشغول بوده است. در مورد مشارکت اقتصادی زنان دیدگاههای مختلفی وجود دارد که به بررسی این موضوع و ویژگیهای شخصی زنان برای حضور در عرصه اقتصاد پرداخته شده است. در اصل حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی، تردیدی وجود ندارد. اسلام زنان را برای فعالیت اقتصادی آزاد گذاشته و به آن استقلال و آزادی داده و آنان را مالک مال و کار خویش کرده و حق قیمومیت را در معاملات زن از دیگران سلب کرده و در عین حال با برداشتن مسئولیت تأمین بودجه خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزامی برای پذیرش فعالیت اقتصادی معاف کرده است. حتی اسلام برای زن نفقه و مهریه قرار داده و پرداخت آن را بر مردان واجب کرده است. مرد نمی‌تواند زن را وادار به کاری کند و اگر زن به دلخواه به کاری که متناسب با شان و شئون او و در حریم معاملات شرعی قرار دارد، مبادرت ورزد و مالی را به دست آورد مرد حق ندارد بدون رضای او در آن ثروت تصرف کند. در عین حال بر مرد لازم است که مخارج و هزینه‌های خانواده را تأمین کند. اسلام به زن حق تحصیل ثروت و استقلال کامل اقتصادی داده است.

کلیدواژه: کار، اشتغال، اقتصاد، اشتغال زنان، استقلال

- 1- مهندسی کشاورزی - علوم خاک و طلبه سطح 2 حوزه علمیه ثامن الحجج شهرستان پارس آباد پایه ی اول
- 2- مدرس قرآن کریم و قاری برگزیده کشوری godas312@yahoo.com

pdfMachine

A pdf writer that produces quality PDF files with ease!

Produce quality PDF files in seconds and preserve the integrity of your original documents. Compatible across nearly all Windows platforms, simply open the document you want to convert, click "print", select the "Broadgun pdfMachine printer" and that's it! Get yours now!

کار و فعالیت جزو لاینفک زندگی انسانهاست و زنان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. زنان در طول تاریخ، علاوه بر انجام کارهای خانه، همیشه همگام با مردان به فعالیت هایی مثل کشاورزی و دام داری اشتغال داشته و از این طریق، بخشی از هزینه خانواده را بر دوش کشیده و به اقتصاد خانواده کمک می کرده اند. اما در زمان های گذشته، فعالیت های یاد شده نظیر سایر کارهایی که زنان در خانه انجام می دادند، کار خانه به شمار می رفته و در مقابل آن مزدی به زن پرداخت نمی شده است.

با حرکت جوامع به سوی دستاوردهای تمدن جدید و تبدیل کارگاه های خانگی و کوچک به کارخانه و جایگزینی ماشین به جای نیروی انسانی، اشتغال زنان به فعالیت های اقتصادی بیرون از خانه، طی چند دهه اخیر، اهمیت ویژه ای یافته است؛ به گونه ای که در حال حاضر مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان به فعالیت اقتصادی در بیرون خانه، یکی از مسائل مهم و مطرح زنان در جامعه امروز ماست.

حضور فعال زنان در جامعه و مشارکت اجتماعی آنان، گذشته از آن که وظیفه ای بر زنان است می تواند برای آنان مفید و بسیار پربار و سودمند باشد و تجربیات ارزنده ای در اختیار آنان بگذارد. مشارکت روز افزون زنان در عرصه مسائل و موضوعات اجتماعی باعث بالا رفتن سطح آگاهی های فردی و اجتماعی، آشنایی با روش های تربیتی و جدید و کار آمد و ... شده و هویتی تازه به زنان می بخشد.

نظر به اهمیت موضوع و شبهات و اشکالاتی که در زمینه کار زنان در مراکز عمومی و چگونگی فعالیت های اقتصادی بانوان مطرح شده و آراء و دیدگاه های مختلفی را پدید آورده است، این نوشتار به بررسی این مسئله از دیدگاه آیات قرآن کریم پرداخته است لازم به ذکر است که مقالات متعددی در موضوع فعالیت های اقتصادی زنان از جمله، مقاله احمد طاهری نیا با عنوان فعالیت اقتصادی زنان در سال جهاد اقتصادی از دیدگاه قرآن و مقاله تربیت الگویی زنان در قرآن از مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما در دست می باشد که مورد اول در مسئله چگونگی فعالیت های اقتصادی بانوان و مورد دوم در مسئله اثبات حضور زنان در عرصه اقتصادی با استناد از آیات قرآن کریم دارای کاستی می باشند که در این مقاله سعی شده در حد امکان تمام آیات و شواهد موجود قید شود.

بر اساس مقاله ی تدوین شده بر آنیم تا به سوالات زیر پاسخ دهیم :

1- آیا زنان می توانند همانند مردان در عرصه اجتماعی و کار و تولید و تجارت و بازرگانی و ارائه خدمات عمومی فعالیت داشته باشند ؟

2- از دیدگاه قرآن شرایط حضور زنان در اجتماع جهت فعالیتهای اقتصادی چیست؟

3- از دیدگاه قرآن کریم، زنان با چه نوع از فعالیت‌های اقتصادی سختی ندارند؟

4- جواز اشتغال زنان به کارهای مخصوص زنان از دیدگاه قرآن را بیان کنید؟

بحث اصلی

کار زنان در دو بخش مطرح می‌باشد:

1- بخش خصوصی و فعالیت‌هایی که برای ساماندهی و مدیریت مصرف در داخل خانه انجام می‌دهند، از جمله کارهایی مانند همه‌ی کارهای منزل و شوهرداری و بچه‌داری و... می‌باشد.

2- بخش عمومی و اجتماعی که به فعالیت بیرون از خانه تعبیر می‌شود. کارهایی که زنان در بیرون از خانه انجام می‌دهند، مانند کار در مراکز تولیدی و خدماتی و اداری را در برمی‌گیرد. (اسماعیلی، سال 90، قربان نیا، سال 84 صفحات 93 و 94 - حسینیان، سال 80) وقتی ما می‌گوییم زنان شاغل، تفاوتی ندارد که زن در خارج از خانه یا در داخل خانه فعالیت دارد به هر حال او چه در خانه یا در خارج از خانه فعالیت داشته باشد از نیروی کار و انرژی خود صرف کرده است. وقتی او در منزل سعی در کنترل هزینه‌ها و صرفه‌جویی در میزان مصرف آب، انرژی، برق و غیره دارد، نمی‌توان او را در ارتقای تولید ملی به حساب نیاورد. (توانا علمی، سال 79) پویایی توسعه اقتصادی جوامع منوط به افزایش مشارکت افراد بخصوص متخصصین در فعالیتهای گوناگون اجتماع می‌باشد. زنان در نظام اقتصادی کشور بنحو موثری ایفا نقش می‌نمایند حال چه جامعه به آشکارا این نقش را بپذیرد یا اینکه با بی‌مهری این نقش را منکر شود.

در نظام رایج فعلی حسابهای ملی، ارزش کار و تولید تنها شامل آن دسته از زنانی است که اشتغال آشکار داشته و در مقابل خدماتی که معمولاً در خارج از خانه انجام می‌دهند مزد و حقوق دریافت می‌کنند. (آهودشتی، سال 83) بحث ما در این مقاله بیشتر در ارتباط با نوع دوم از کار است؛ زیرا آنچه امروزه به عنوان یک مسئله مطرح است و موافق و مخالف در ارتباط با آن در کتاب‌ها و مقالات به بحث و بررسی می‌پردازند، اشتغال زنان به کار و فعالیت در مراکز تولیدی و خدماتی و اداری در بیرون از خانه است.

سوال اصلی این است که آیا زنان می توانند همانند مردان در عرصه اجتماعی و کار و تولید و تجارت و بازرگانی و ارائه خدمات عمومی فعالیت داشته باشند؟ در مورد مشارکت اقتصادی زنان دیدگاههای مختلفی وجود دارد که در این مقاله با استناد از آیات قرآن مجید این دیدگاهها مورد بررسی قرار گرفته و همچنین به بررسی ویژگیهای شخصی زنان برای حضور در عرصه اقتصاد پرداخته شده است.

شواهد قرآنی بر جواز فعالیت های اقتصادی زنان

واژه های «فعل»، «عمل» و «کسب» در قرآن به معنای کار و تلاش هستند، اما معمولاً به معنای اقتصادی آن که خصوصاً فعالیتی است که برای تحصیل درآمد انجام می گیرد و در برابر آن مزدی پرداخت می شود به کار نمی رود؛ برای مثال، واژه «فعل» و مشتقات آن قریب 108 بار در قرآن به کار رفته اند که در هیچ یک از آن ها مراد از «فعل» کار اقتصادی و تلاش مادی نیست. واژه «عمل» و مشتقات آن قریب 360 مورد در آیات آمده اند که بیشتر آن ها به معنای تلاش اخروی است. تنها در برخی از آیات به معنای تلاش مادی به کار رفته اند؛ مثل:

«أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ» (کهف: 79)؛ اما آن کشتی مال گروهی از مستمندان بود که با آن در دریا کار می کردند.

«وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَ يَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ» (انبیاء: 82)؛ و گروهی از شیاطین برای او (حضرت سلیمان) غواصی می کردند و کارهایی غیر از این نیز برای او انجام می دادند.

«وَمِنَ الْجِنَّةِ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (سبا: 11)؛ و گروهی از جن پیش روی او (حضرت سلیمان) به اذن پرودگارش کار می کردند. (طاهری نیا، سال 90)

اسلام با وجود تفاوت فیزیولوژیکی (physiological) و سایکولوژیکی (psychological) که بین زن و مرد است در بسیاری از آیات قرآن کار و تلاش و فعالیت در مورد ایشان بیان شده است که جالبترین آنها مربوط به این بحث می توان اشاره کرد به سوره نساء / آیه 32.

خداوند می فرماید:

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ..»

«مردان را نصیبی است از آنچه به دست می‌آورند و زنان را نصیبی از آنچه کسب می‌کنند.»

می‌توان برای اثبات مشروعیت فعالیت اقتصادی زنان به آن استناد کرد، زیرا اگر کارکردن برای آنان مجاز نبود، آیه شریفه زنان را مالک کسب و درآمد خود قرار نمی‌داد. هرچند به طور کلی نمی‌توان گفت که این آیه منظور کسب مال باشد اما خداوند جل جلاله برحسب اقتضای اراده و حکمت خویش، برای هر یک (زن و مرد) بهره‌ای از کار و کردارشان قرارداده است که آنان را در برابر آن جزای مناسب می‌دهد. کار و تلاش و روزی حلال خود عبادت محسوب شده، پس هر کدام از ایشان هر چند توانایی داشته باشند انجام می‌دهند و منتظر فضل خداوند می‌باشند. (اسماعیلی، سال 90 و توانافر، سال 90، و اسحاقی، سال 90، صفحه 163)

در آیه دیگری از قرآن مجید آمده است: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ وَ لِّلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْاَقْرَبُونَ» (سوره نسا آیه 7) مردان را از مالی که پدر و مادر و یا خویشاوندان بعد از مردن خود باقی می‌گذارند بهره‌ای است و زنان را نیز از آن چه پدر و مادر و خویشاوندان از خود باقی می‌گذارند بهره‌ای است» این آیه هم حق ارث بردن زنان را اثبات می‌نماید در حالی که عرب جاهلی حتی حاضر نبود به زنان، ارثی اختصاص دهد! (توانافر، سال 90 و اسحاقی، سال 90، صفحه 164)

همچنین مهریه را حق زنان می‌داند و یادآور می‌شود که: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نَحْلَةً» (نساء، آیه 4) در خصوص ارث هم برخلاف اعراب که زنان را لایق ارث بری نمی‌دانستند، او را صاحب ارث خویشان قرار داد. بنابراین در اصل حضور زنان در فعالیت‌های اقتصادی، تردیدی وجود ندارد. (توانافر، سال 90، و اسماعیلی، سال 90، و اسحاقی، سال 90، صفحه 164 و 165 - قائمی 75)

بنابراین، واژه‌های «فعل»، «عمل» و «کسب» در این آیات غالباً به معنای کار مادی نیستند و در آیاتی هم که به معنای تلاش مادی آمده‌اند معمولاً نمی‌توانند در این موضوع، مشکلی را از میان بردارند. در نتیجه، هرچند معنای لغوی این واژه‌ها «کار» است، به ویژه لفظ «عمل» که در کتاب‌های عربی امروز به معنای تلاش اقتصادی به کار می‌رود، اما در بحث قرآنی نمی‌توانیم برای اثبات یا رد اشتغال زنان، به این آیات استناد کنیم. (طاهری نیا، سال 90)

آیات دیگری که در این موضوع می‌توانند ما را یاری دهند آیاتی هستند که واژه‌های به کار رفته در آن‌ها به صراحت، به معنای کار نیست، اما به دلالت التزامی، معنای کار و تلاش مادی از آن‌ها استفاده می‌شود. این آیات را می‌توان در چهار گروه بررسی کرد:

نخست، آیاتی که انسان‌ها را به وفای به عقد موظف کرده است؛

دوم، آیاتی که کار و تلاش مادی را برای انسان‌ها مجاز دانسته است. در این آیات، بیشتر از واژه ترکیبی «ابتغاء فضل» استفاده شده است؛

سوم، آیاتی که برخی از معاملات را حلال و برخی را حرام کرده است؛

چهارم، آیاتی که می توان از آن ها برخی از اشتغالات خاص را استفاده کرد. (طاهری نیا، سال 90 و اسماعیلی، سال 90)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اؤْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: 1)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمان ها و قراردادها وفا کنید. «وَفَى» و «اَوْفَى» هر دو به معنای تمام کردن و کامل کردن است. «عقود» جمع «عقد» به معنای بستن و گره زدن چیزی به چیز دیگر است. (طاهری نیا ، سال 90) این واژه گرچه در اصل، برای امور محسوس وضع شده، اما در انواع معاملات و پیمان های غیر محسوس، که نوعی از بستن و گره زدن در آن ها لحاظ شده است، به کار می رود. (المیزان جلد 5 صفحه 152)

جمله « اَوْفُوا بِالْعُقُودِ » امر است و انسان ها را به وفا کردن به هر چیزی که به آن «عقد» گفته شود، امر کرده است. این آیه از دو جهت فراگیر است: نخست از جهت مصداق عقد؛ زیرا در آن عقد خاصی ذکر نشده است. بنابراین، هر گونه معامله و پیمانی را که شرعیت آن از سوی شارع رسیده باشد، شامل می شود، خواه از عقود لازم باشد مثل بیع و اجاره و مزارعه و مساقات یا از عقود جایز مثل قرض و ودیعه. دوم از جهت مخاطب که زن و مرد را شامل می شود. نه در این آیه و نه در هیچ آیه دیگری حکم وفای به عقد به گروه یا صنف خاصی منحصر نشده است. بنابراین، بر زن و مرد واجب است که به پیمان ها و قراردادها خود از هر نوعی که باشند وفا کنند. استفاده مشترک زن و مرد در وجوب وفای به عقود شرعی، به اندازه ای روشن بوده است که فقیهان در سراسر فقه، برای لزوم وفای به عقد به این آیه استدلال کرده و در هیچ موردی از دخالت جنسیت در الزام آیه شریفه، بحثی نکرده اند. دیده نشد که فقهی تردید کرده باشد در اینکه اگر زنی عقد اجاره یا بیع یا مضاربه و یا هر عقد مشروعی با دیگری امضا کرد لازم الوفا است و باید به آن پایبند باشد. (طاهری نیا ، سال 90 - اسماعیلی ، سال 90)

این سخن بدان معناست که حکمی که در آیه بیان شده میان مرد و زن مشترک است. لازمه این دستور مشترک آن است که همچنان که مردان می توانند پیمان تجاری و بازرگانی داشته باشند یا با کسی عقد اجاره ببندند و خود را اجیر کنند، زنان نیز می توانند. اگر زن نمی توانست در هیچ قرارداد تجاری و بازرگانی شرکت کند یا مثل صغار، هیچ گونه معامله ای برای او جایز نبود، وجوب وفای به عقد به طور مطلق، برایش معنا نداشت. در حقیقت، از او عقدی محقق نمی شد تا لازم الوفا باشد. بنابراین، لزوم وفای به عقود و اشتراک زن مرد در این خطاب، دلیل بر جواز مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی و تحصیل درآمد از طریق اجاره یا تجارت و بازرگانی و عقود شرعی دیگر است.

بلی، «اوفوا» صیغه مذکر است، اما دلیل بر اختصاص این حکم به مردان نیست؛ زیرا روش قرآن در بیان احکام مشترک میان مرد و زن، بر خطابِ مذکر است. برای مثال، شکی نداریم که اقامه نماز و پرداخت زکات که با خطابِ مذکر در آیه «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» در موارد متعددی از سوره بقره (9) به طور مکرر و در برخی از سوره های دیگر، آمده و وجوب روزه ماه رمضان که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: 183) بیان شده، برای زنان و مردان است. آیا می توان معتقد شد در این آیات، به دلیل آنکه خطاب در «اقیموا» و «آتوا» و «الذين آمنوا» و «علیکم» به صیغه مذکر است، وجوب نماز و زکات و روزه به مردان اختصاص دارد؟ (طاهری نیا، سال 90)

گروه دوم: آیات تحلیل و تحریم برخی از معاملات

آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره: 275) (خدا بیع را حلال کرد) خرید و فروش را، که نوعی کسب و تلاش اقتصادی است، حلال کرده. آیات «حَرَّمَ الرَّبَّا» (بقره: 275) (ربا را حرام کرد)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً» (آل عمران: 130) (ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را چند برابر نخورید) و آیات «وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ» (روم: 39) «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلِ الصَّدَقَاتِ» (بقره: 276) «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره: 272) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ» (بقره: 278) «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلِ الصَّدَقَاتِ» (بقره: 276) با تعبیرهای گوناگون؛ به مبارزه با ربا برخاسته و ربا خواری را، که راهی برای تحصیل درآمد و افزایش سرمایه است، ناروا دانسته اند.

آیات مزبور، به طور مطلق، جنس بیع را حلال، و جنس ربا را حرام کرده اند. از سوی دیگر، آیه یا روایتی که بر دخالت جنسیت در این حکم دلالت داشته باشد، نداریم. بنابراین، حکمی که برای بیع و ربا بیان شده، از احکام مشترک میان زن و مرد است؛ چنان که مرد مجاز است با دیگران قرارداد خرید و فروش امضا کند و از این طریق، تجارت کند و سودی ببرد، برای زن نیز چنین است.

همچنین در برخی از آیات آمده است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره: 188) (اموال یکدیگر را به باطل در میان خود نخورید)؛ «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ» (نساء: 29) (ای کسانی که ایمان آورده اید، اموال یکدیگر را به باطل نخورید، مگر اینکه تجارتی با رضایت شما انجام گیرد). در این آیات، هرگونه تحصیل سرمایه از راه های غیرمشموع «اکل مال به باطل» دانسته و ممنوع اعلام شده است. مقصود از «اکل» در اینجا، هرگونه تصرف در اموال و نقل و انتقال غیر مجاز است. مصادیق «اکل مال به باطل» نیز در برخی از روایات، زراندوزی از طریق قمار و قسم دروغ دانسته شده است. مفسران نیز در تفسیر آیه، به دست آوردن

مال از طریقِ لَهو و لعب، غصب و ظلم را «اکل مال به باطل» دانسته اند. ربا نیز، که مورد نهی آیات می باشد، از مصادیق اکل مال به باطل است. جمله استثنائیه «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ» اشاره است به اینکه تصرّف در اموال، باید از یکی از راه های مجاز و شرعی انجام شود که همان تجارت با رضایت طرفین است. (طاهری نیا، سال 90 - رئیسی سال 82)

در این آیات، ملاکِ ممنوعیت یا مشروعیت فعالیت اقتصادی، صادق بودن عنوان «اکل مال به باطل» یا «تجارة عن تراض» قرار داده شده است. تمام کارهایی که در عنوان «اکل مال به باطل» داخل باشند ممنوع، و کارهایی که مشمول «تجارة عن تراض» باشند مشروع خواهند بود. مصادیق «اکل مال به باطل» نیز در آیات و روایات بیان شده، ولی در هیچ یک از آن ها، فعالیت های اقتصادی زن در بیرون از خانه مصداق «اکل مال به باطل» دانسته نشده است. بنابراین، مشمول «تجارة عن تراض» و مشروع و مجاز خواهد بود. (طاهری نیا، سال 90 و اسماعیلی، سال 90)

گروه سوم: آیات امر به کار و تلاش مادی

دسته ای دیگر از آیات به رغم اینکه مشتمل بر واژگان رایج در اقتصاد و فقه نیستند، اما می توان از آن ها جواز فعالیت اقتصادی و اشتراک میان زن و مرد را نتیجه گرفت؛ مانند آیات ذیل:

«وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلًا مَلْبُوسًا وَ تَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: 14)؛ او کسی است که دریا را مسخر [شما] ساخت تا از گوشت آن بخورید و زیوری برای پوشیدن از آن استخراج کنید و کشتی ها را می بینی که سینه دریا را می شکافند تا شما [به تجارت پردازید و] از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمت های او را بجا آورید. (طاهری نیا، سال 90)

اول با توجه به فعل (لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ) مخاطب مردان نیستند. دوماً ترغیب و تشویق عمومی، که همان فضل خداوند است هرگونه تلاش اقتصادی را مشروع با توجه به تجارت با رضایت طرفین می باشد برای زن و مرد مجاز است. پس هر دو می توانند در طبیعت و معاملات و تجارت، تصرفاتی داشته باشند (اسماعیلی، سال 90)

«رَبُّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (اسراء: 66)؛ پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد تا از نعمت او بهره مند شوید. او نسبت به شما مهربان است.

«وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلاً مِّن رَّبِّكُمْ» (اسراء: 12)؛ ما شب و روز را دو نشانه قرار دادیم، سپس نشانه شب را محو کردیم و نشانه روز را روشنی بخش ساختیم تا فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید).

«وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص: 73)؛ و از رحمت اوست که برای شما شب و روز را قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره گیری از فضل خدا تلاش کنید و شاید شکر نعمت او را بجا آورید.

«فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه: 10)؛ و هنگامی که نماز پایان گرفت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید، شاید رستگار شوید.

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِّن رَّبِّكُمْ» (بقره: 198)؛ گناهی بر شما نیست که از فضل پروردگارتان طلب کنید.

مفسران «ابتغاء فضل» را در جملات «لتبتغوا من فضله»، «لتبتغوا فضلاً من ربكم» و «وابتغوا من فضله» به تجارت و کسب و تلاش اقتصادی تفسیر کرده اند. (طاهری نیا، سال 90 و اسماعیلی، سال 90)

از سوی دیگر، آیات یاد شده از جهت مخاطب اطلاق دارند بر این معنا که مخاطب در فعل «تبتغوا» و «ابتغوا» خصوص صنف مردان نیست، بلکه نظیر سایر خطاباتی که در قرآن شریف آمده اند، میان زن و مرد مشترکند، مگر در جایی دلیلی بر اختصاص آن به مردان داشته باشیم. همچنین از حیث نوع اشتغال نیز آیه در مقام بیان شغل خاصی نبوده است. از این رو، می توان گفت: با توجه به ترغیب و تشویق عمومی، که از سوی خدا برای طلب فضل صادر شده است، هرگونه تلاش اقتصادی، که مشروع و مصداق «تِجَارَةٌ عَنِ تَرَاضٍ» باشد، برای زن و مرد مجاز است. بدین روی، بر اساس این آیه، اصل اولی جواز انواع تصرفات زن در طبیعت و معاملات و تجارت است، مگر آنچه به دلیل قطعی خارج شده است.

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ» (ملک: 15)؛ او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزی های خداوند بخورید. این آیه نیز از آیات مطلق است و انسان ها را به تصرف در طبیعت و فعالیت و تلاش اقتصادی امر می کند. تعبیر «کُلُوا مِن رِّزْقِهِ» در این آیه، به گفته علامه طباطبایی به معنای انواع طلب و تصرف در زمین است. (المیزان جلد 20 صفحه 13 و اسماعیلی، سال 90)

پس خوردن در اینجا به معنای جویدن و بلعیدن نیست، بلکه نظیر آیه «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» (بقره: 188) به معنای تصرف کردن است. بر اساس این تفسیر، آیه شریفه، به انسان ها گوشزد می کند که ما زمین را به گونه ای آفریدیم که شما بتوانید با انواع تصرف

در آن زندگی مادی خود را تأمین کنید و سپس به وسیله امر با واژه «کلوا» انسان ها را به انواع کار و تلاش اقتصادی مثل صیادی، کشاورزی، دام داری و انواع تصرفات در زمین برای بهره وری از نعمت های الهی و استفاده از ارزاق آن ترغیب و تشویق کرده است. از سوی دیگر، امر به «کلوا» اختصاص به صنف خاصی ندارد؛ استفاده از نعمت های الهی و تصرف در زمین و بهره گرفتن از آب ها و درختان و جنگل ها و حیوانات برای همه انسان هاست. نه در این آیه و نه در آیات دیگر و نه در روایات، دلیلی بر تخصیص آیه به مردان نیست. بلی، لفظ «کلوا» جمع مذكر است، ولی پیش از این گفته شد که روش قرآن چنین است که معمولاً احکام مشترک مرد و زن را با خطاب مذكر بیان می کند (طاهری نیا ، سال 90)

گروه چهارم: اشتغالات خاص

گروه دیگر آیاتی است که می توان از آن ها جواز اشتغال زنان به برخی از حرفه های خاص را اصطیاد کرد. تأکید بر این نکته ضروری است که آیاتی که از آن ها یاد خواهد شد، در مقام بیان حرفه یا شغلی برای انسان ها نیست، بلکه در این دسته از آیات، انجام برخی از کارها مجاز اعلام شده است؛ کارهایی که اشتغال به آن ها در میان مردم عصر نزول رایج بوده و هم اکنون هم انسان هایی به آن کارها اشتغال دارند. با توجه به مجوزی که قرآن برای انجام آن کارها به انسان ها داده و این اجازه را به گروه یا صنف ویژه ای اختصاص نداده است، می توان جواز اشتغال زنان به آن کار را از دیدگاه قران استفاده کرد. این کارها عبارتند از:

1- صیادی: «وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا» (مائده: 2)

در آغاز سوره مائده، خداوند صید چهارپایان و خوردن گوشت آن ها را حلال کرده و فرموده است: «أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ». سپس در آیه بعد، با جمله «غَيْرَ مُجْلَى الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ»، کسانی را که مشغول مناسک حج و در حال احرام هستند از شکار حیوانات منع کرده است. همچنین در آیات «لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ» (مائده: 95) و «حُرْمٌ عَلَيْكُم صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا» (مائده: 96) ممنوعیت شکار در حال احرام را بیان کرده است. از خطاب آیات استفاده می شود که این حکم، میان زن و مرد مشترک است. از این رو، شکار کردن برای زنان و مردان محرم، حرام است. در آیه دوم خطاب به همان کسانی که شکار برایشان حرام بود، فرموده است: «وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا»؛ پس از خروج از احرام شکار کنید. امر در این آیه، به قرینه اینکه پس از دستور منع از شکار صادر شده است، فقط بر جواز این عمل دلالت دارد، نه بر بیش از آن و چون ممنوعان از این عمل زن و مرد بودند، پس این جواز نیز شامل هر دو دسته می شود. (طاهری نیا ، سال 90 و اسماعیلی ، سال 90)

ممنوعیت شکار برای زائران در خصوص حالت احرام و جواز این عمل پس از آن، نشانه آن است که شکار و صید حیوانات فی نفسه مبعوض و مورد نهی نیست. اگر صید حیوانات ذاتا کار غیر مشروعی بود، از سوی قرآن برای این عمل در هیچ شرایطی مجوز صادر نمی شد. از سوی دیگر، توجه قرآن به مسئله صید و تحریم آن برای زائران در حال احرام در آیات متعددی از این سوره، «غَيْرَ مُجِلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ» (مائده: 1)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ» (مائده: 95)، «حُرْمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا» (مائده: 96) نشانه اهمیت این موضوع است و می فهماند که این کار مورد ابتلای جمع کثیری از حاجیان بوده است؛ شکار حیوانات، گوشت مورد نیاز آنان را تأمین می کرده و نوعی فعالیت و تلاش اقتصادی و تولید بوده است، نه یک کار تفریحی. بعید است به قرآنی که با شیوه ایجاز، تنها به تبیین مسائل ضروری و مورد نیاز انسان ها می پردازد چنین نسبتی داده و گفته شود در تمام آن آیات، به مسئله ای که برای تعداد انگشت شماری، به عنوان سرگرمی مطرح بوده توجه کرده و حرمت آن را در آیات متعدد تکرار کرده است. بنابراین، آنچه به طور یقین از آیه به دست می آید این است که شکار کردن پس از خروج از احرام جایز است. اکنون می پرسیم: برای چه کسی؟ جواب آن است که آیه اطلاق دارد. پس حکمی که در آن آمده است برای همه است؛ زن باشد یا مرد. چگونه شکاری جایز است: شکار تفریحی یا شکاری که شغل و راه درآمد باشد؟ باز هم آیه اطلاق دارد. بنابراین، می توان گفت: شکار کردن کاری است که هر یک از زن مرد می تواند انجام دهند. قرآن نه تنها از این کار منعی نکرده، بلکه جواز آن را نیز به صراحت اعلام کرده و در این خصوص میان دو صنف زن و مرد تفاوتی قایل نشده است. (طاهری نیا، سال 90)

2 و 3- ماهی گیری و غواصی: «وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا» (نحل: 14)؛ او کسی است که دریا را مسخر ساخت تا از آن گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن از آن استخراج کنید. در این آیه، خداوند متعال با برشمردن برخی نعمت ها به دو نوع اشتغال اشاره کرده است: نخست ماهی گیری؛ زیرا مقصود از خوردن گوشت تازه از دریا، گوشت ماهی است که متوقف بر صید آن است. بنابراین، تقدیر آیه چنین است: «... لتصطادوا و تأكلوا». دوم غواصی و استخراج زیور آلاتی مانند لؤلؤ و مرجان از دریا. خطاب در این آیه نیز ناظر به گروه خاصی نیست. هر کسی، چه زن و چه مرد، می تواند از دریا ماهی صید کند. نه در آیات و نه در روایات، کار شیلات به صنف مردان اختصاص داده نشده است. همچنین دلیلی بر اختصاص غواصی و پیدا کردن لؤلؤ و مرجان به مردان نداریم. از این رو، این عمل نیز به عنوان یک فعالیت اقتصادی به مردان اختصاص ندارد.

4- دایگی: «فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُّوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (طلاق: 6) در این آیه، به مردانی که زن خود را طلاق داده اند و کودک شیرخوار دارند و مادر کودک حاضر است به آن شیر دهد، امر کرده که اگر زنان به فرزندان شما شیر دادند، مزد آنان را بدهید. سپس در دنباله آیه می

فرماید: «... وَإِنْ تَعَاسَرْتُمْ فَسْتَزْعُ لَهٗ الْآخِرَىٰ»؛ و اگر به توافق نرسیدید، زن دیگری شیر دادن او را به عهده می گیرد. مفسران در معنای آیه گفته اند: اگر زن و مرد در شیر دادن به کودک با هم به توافق نرسیدند، به این صورت که یا زن حاضر نیست به کودک شیر بدهد و یا اجرتی بیش از معمول می خواهد، در این صورت، بر پدر کودک لازم است برای تغذیه کودک، دایه بگیرد تا طفل آسیب نبیند. (طاهری نیا، سال 90 و اسماعیلی، سال 90)

دایگی و شیر دادن به کودکانی که مادرانشان شیر نداشتند یا از دنیا رفته بودند در زمان های گذشته، میان زنان معمول بوده؛ چنان که حلیمه سعدیه و چند تن از زنان دیگر، برای همین کار به مکه آمدند. در راستای زندگی کودکی حضرت موسی، که برای شیر دادن به ایشان دایه های بسیاری را صدا زدند دایه ها در برابر خدمتی که ارائه می کردند و به کودک شیر می دادند مزد دریافت می کردند. قرآن نه تنها از این کار نهی نکرده و مزدی را که در مقابل این عمل گرفته می شود اکل مال به باطل ندانسته، بلکه خود به پدران بچه ها امر کرده است: در صورتی که برای شیر دادن با مادر کودک به توافق نرسیدید، دایه بگیرید. بنابراین، دایگی نیز می تواند به عنوان یکی از اشتغالاتی باشد که ویژه زنان است و قرآن به آن اشاره کرده است. (اسماعیلی، سال 90 و طاهری نیا، سال 90)

5- دام داری: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءٌ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّهُ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص: 23)؛ و هنگامی که به چاه آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند. به آن دو گفت: کار شما چیست؟ گفتند: ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپانان همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهنسالی است. از این آیه، چند نکته استفاده می شود:

نخست اینکه از تعبیر «لَا نَسْقِي»، که فعل مضارع است و بر استمرار دلالت دارد، فهمیده می شود آب دادن به گوسفندان کار روزمره و همیشگی آنان بوده است. جمله «و ابونا شیخ کبیر» نیز مؤید همین مطلب است؛ زیرا کنایه از آن است که فرد دیگری را برای این انجام این کار نداریم. بنابراین، کار سیراب کردن گوسفندان را خود انجام می دهیم.

دوم اینکه گرچه در آیه سخنی از چوپانی دختران حضرت شعیب علیه السلام نیست، اما از اینکه گفتند: «لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»، می توان به دست آورد که همه کارهای گوسفندان، که یکی از آن ها آب دادن بوده و یکی هم به چرا بردن بوده، به عهده دختران بوده است؛ زیرا اگر دختران شعیب می گویند پدر ما پیر سال خورده است، کنایه است از اینکه کسی را برای آب دادن نداریم. پس حتما کسی را برای چرانیدن و علوفه دادن هم نداشته اند. از این رو، بعید است بگوییم کار دختران فقط آب دادن بوده است. اینکه حضرت شعیب علیه السلام، به حضرت موسی علیه السلام گفت: می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم، به این شرط

که هشت سال برای من کار کنی و اگر تا ده سال افزایش دهی محبتی از ناحیه توس «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ» (قصص: 27). برخی از مفسران گفته اند: او را برای چوپانی اجیر کرد. این امر نیز شاهدهی است بر اینکه پیش از موسی، کار چوپانی گوسفندان را دختران انجام می دادند.

البته ممکن است گفته شود عمل دختران شعیب علیه السلام نمی تواند مستند جواز این گونه کارها برای زنان باشد؛ زیرا دختران حضرت شعیب علیه السلام از باب ضرورت و نبود فرد دیگری دست به این عمل می زدند. بنابراین، وقتی حضرت موسی علیه السلام از آنان می پرسد: برای چه اینجا ایستاده اید، آنان مقصود خود را گفتند و با این جمله که «پدر ما پیر سال خورده است»، عذر خود را نسبت به انجام این کار ذکر کردند و آن را به عنوان یک ضرورت برای خود بیان نمودند. بنابراین، کار کردن دختران حضرت شعیب علیه السلام در بیرون از خانه به سبب شرایط ویژه خانه آنان بود، نه اینکه در شرایط عادی، آنان این کار را انتخاب کرده باشند. (اسماعیلی، سال 90 و طاهری نیا، سال 90)

الگو ها و چگونگی فعالیت اقتصادی از دیدگاه قرآن مجید

اسلام کارکردن زن را حرام نمی داند اما شرایطی را برای آن وضع کرده (اسماعیلی، سال 90) الگویی که به شکلی روشن تر خط مشی اجتماعی بانوان را ترسیم می کند، شرکت حضرت فاطمه علیها السلام در ماجرای مهم و سرنوشت ساز "مباهله" است. آن حضرت با آگاهی کامل به حساسیت شرایط، آمادگی خود را برای شرکت در این عرصه پرخط اعلام داشت و با چهره ای مصمم و اراده ای استوار، پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله پا به میدان گذاشت. خدای سبحان نیز عمل پسندیده فاطمه زهرا علیها السلام را ستود و نام او را در شمار شرکت کنندگان در این حرکت مهم اعتقادی - اجتماعی قرار داد:

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ ... (آل عمران: 61)

و هرکس که پس از فرارسیدن علم (وحی) به تو درباره او (عیسی) با تو محاجه کند، بگو بیاید، ما پسرانمان و شما پسرانتان، ما زنانمان و شما زنانتان...

و اهل تفسیر و حدیث بر آن اتفاق دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی را جز فاطمه علیها السلام برای مباهله به همراه نبرد. (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، سال 90)

قرآن زنان مؤمن را به اتصاف به هم‌بستگی اجتماعی فرا می‌خواند، حفظ وحدت و یکپارچگی و جلوگیری از ایجاد خلل در صف واحد آنان است.

آن هنگام که جریان ناخوشایند "افک" و ایراد اتهام اخلاقی به همسر پیامبر و یکی از مؤمنین در جامعه اسلامی مطرح شد و حتی مردان و زنان مؤمن نیز این شایعه را از زبان یکدیگر گرفته و در جامعه پخش می‌کردند، خداوند متعال، این‌گونه آنان را مورد سرزنش و ملامت خود قرار داد:

لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ. (نور: 12)

چرا چون آن را شنیدید، مردان و چرا چون آن را شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حق خویش گمان نیک نبردند و نگفتند که این تهمت‌ی آشکاراست؟

جالب این که، در آیه بالا به جای این که تعبیر کند: "شما درباره متهم به این تهمت باید حسن ظن داشته باشید"، می‌گوید: "شما نسبت به خودتان باید حسن ظن می‌داشتید". این تعبیر، اشاره به این است که جان مؤمنان از هم جدا نیست و همه به عنوان نفس واحده‌اند که اگر اتهامی به یکی از آن‌ها متوجه شود، گویی متوجه همه شده است و همان گونه که هر کس خود را موظف به دفاع از خویش در برابر اتهامات می‌داند، به همان اندازه از دیگر برادران و خواهران دینی خود دفاع کند و با واکنش مناسب، با شایعه پراکنانی که وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی را خدشه‌دار می‌کنند، برخورد نماید.

از سوی دیگر، قرآن کریم، همسر ابی لهب را مورد نکوهش قرار داده و فرموده است:

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ. (مسد: 4)

و زنش هیزم کش است.

آن زن به سخن‌چینی بین مردم می‌پرداخت و به این ترتیب، آتش دشمنی را در بین آنان شعله‌ور می‌ساخت. قرآن کریم نیز در این جا نمایی و سخن‌چینی او را به هیزمی تشبیه کرده که شعله‌ور کننده آتش عداوت است و از این رو که او سخنان تفرقه‌انگیز را به این سو و آن سو می‌برد، او را "هیزم کش" نامیده است. (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، سال 90)

فعالیت‌های اقتصادی به صورت فردی انجام می‌شود، ولی بیشتر فعالیت‌های اقتصادی با تعامل اجتماعی همراه است.

قرآن کریم در تربیت الگویی بانوان در ابعاد اقتصادی، ضمن صحنه گذاردن بر تلاش اقتصادی آنان، به نکات قابل توجهی در مورد چگونگی فعالیت‌های اقتصادی بانوان اشاره می‌کند.

تلاش برای تأمین معاش

آنان که پدرشان پیر و از کار افتاده بود، مسئولیت سخت دامن‌داری و آب دادن گوسفندان پدر را بر عهده داشتند ...

وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَابْنُا شَيْخٌ كَبِيرٌ (قصص: 23)

از پسِ مردم (موسی) دو زن را دید که (چارپایان خود را) جمع و جور می‌کردند. (موسی) گفت: کار و بار شما چیست؟ گفتند: ما آب نمی‌دهیم تا آن‌که شبانان (چارپایان خود را از آب‌شخور) بازگردانند.

زن و فعالیت‌های سخت اقتصادی

طبیعت بانوان با انجام فعالیت‌های سخت اقتصادی هماهنگ است و آنان نیز باید در دشوارترین امور اقتصادی دوشادوش مردان به فعالیت بپردازند یا این که اگر چه احراز مشاغل درآمدزای برای بانوان بی‌اشکال است، ولی با توجه به شرایط جسمی آنان، بهتر است در شرایط غیرضروری به انجام کارهای سخت و طاقت فرسا نپردازند؟

به نظر می‌رسد که جواب این سؤال روشن باشد، زیرا شرایط جسمی بانوان به طور معمول، اقتضای انجام اموری را که نیازمند طاقت و توان زیاد باشد ندارد، ولی در عین حال مشاهده می‌کنیم که دختران شعیب، مشکل‌ترین امور اقتصادی را عهده‌دار بودند. اما حقیقت مطلب آن است که زنان در شرایط عادی از انجام چنین تکالیفی پرهیز نموده و آن را به عهده مردان می‌گذارند. در موردی که بیان شد، شرایط اضطراری حکم می‌کرد که آن‌ها با وجود بی‌میلی باطنی، به انجام چنین اموری اقدام نمایند. برای نمونه، وقتی موسی علیه السلام دختران شعیب را در کنار چاه مدین مشاهده کرد که تنها به مراقبت از گوسفندان خود مشغولند، از آنان پرسید: شما این جا چه می‌کنید؟ آنان گفتند: تا چوپانان گوسفندان خود را آب ندهند، ما جلو نمی‌رویم. و سپس گفتند: "و پدر ما، پیری فرتوت است." به نظر می‌رسد که گفتن این جمله به موسی علیه السلام برای بیان این است که شرایط اضطراری و ناتوانی پدر باعث شده است تا این دختران چنین کار مشکلی را انجام دهند، کاری که هم بسیار وقت‌گیر است و هم بسیار طاقت فرسا. شاهد این مطلب آن است که به محض این که دختر شعیب قوت و امانت موسی را آزمود، برای آن که خود و خواهرش را از انجام این فعالیت توان فرسا که مستلزم برخورد با مردان بیگانه نیز بود، رهایی بخشد، پیشنهاد استخدام او را به پدر داد.

عفاف در فعالیت‌های اقتصادی

آب دادن گوسفندان، نمونه بارز فعالیت اقتصادی با مراعات عفاف کامل است. آنان برای پرهیز از اختلاط بی مورد با مردان بیگانه، مدت‌ها صبر می‌کردند و حتی نوبت خود را از دست می‌دادند تا آن چوپانان بی انصاف و بی ملاحظه، از آب دادن چارپایان خود فارغ شوند و آن گاه دختران شعیب با رعایت عفت و نجابت، به گوسفندان خود آب می‌دادند. حتی می‌توان گفت چیزی که موجب شد تا موسی علیه السلام با خستگی فراوانی که از پیمودن راه طولانی مصر تا مدین متحمل شده بود به کمک آنان بشتابد؛ همین بود که در رفتار آنان در کنار چاه، حجب و حیای آنان را مشاهده کرد و آن گاه که ماجرا را پرسید، از کلام آن‌ها نیز دریافت که تعلل آنان در آب دادن گوسفندان به‌خاطر حجب و عفاف آنان و ظلم و تعدی مردم بوده است.

نکته مهم در این داستان، آن است که دختران شعیب که انجام این کار را موجب برخورد با نامحرمان می‌دانستند، هرگز اصل فعالیت اقتصادی خود را متوقف نکردند، بلکه ملتزم بودند که در کار، متانت و عفاف خود را حفظ کنند. (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما ، سال 90)

از همه مهم‌تر رعایت اخلاق اسلامی و پوشش و حجاب و عفاف الزامی می‌باشد، که نه ضرری برای خود و نه برای جامعه داشته باشند. خداوند متعال می‌فرماید:

«وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ» نور / 31

«زینت و زیباییهای خود را جز برای شوهرانشان نمایان نکنند»

و همچنین می‌فرماید:

«وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» نور / 31

«پاهای خود را (به گونه‌ای بر زمین) نکوبید تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد»

و می‌فرماید:

« فَلَا تَخْضَعَنَّ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا » احزاب/32

پس با ناز و کرشمه سخن مگویید! تا آنکه در دلش بیماری است طمع نورزد و گفتاری شایسته بگویید» (اسماعیلی، سال 90)

هوشمندی اقتصادی

استخدام موسی علیه السلام را به پدر داد، دو ویژگی را به عنوان ویژگی‌های بهترین کارگزار برشمرد: قدرت و امانت. "ان خیر من استأجرت القوی الامین" و در این جمله کوتاه، مهم‌ترین و اصولی‌ترین شرایط مدیریت را در این دو ویژگی خلاصه کرد. البته منظور از قدرت، تنها قدرت جسمانی نیست، بلکه مراد قدرت و قوت بر انجام مسئولیت است. بنابراین، در انجام فعالیت‌های جسمی، قدرتمندی به نیروی جسمی و در فعالیت‌های فکری، قدرتمندی به توان و قوت فکری مربوط می‌شود. منطق این زن که همان منطق قرآن است، آن است که در سپردن مسئولیت‌ها باید دو ملاک مهم توان‌مندی و امانت، یا به تعبیر دیگر تخصص و تعهد مورد توجه قرار گرفته و اگر یکی از این دو ویژگی در فرد کارگزار نباشد، آسیب‌های غیرقابل جبرانی برای کارفرما به بار خواهد آورد. درایت و هوشمندی بسیار زیاد دختر شعیب در آن است که هم این دو عنصر اساسی در سپردن مسئولیت را به سادگی بیان کرد و هم مصداق آن را در وجود موسی علیه السلام یافت و هم این پیشنهاد ارزشمند اقتصادی خود را به پدر ارایه نمود.

الگوی منفی این ویژگی را نیز می‌توان در زنی یافت که با رنج و زحمت فراوان به انجام فعالیت اقتصادی می‌پرداخت و پس از آن که کار به پایان می‌رسید، با یک حرکت ارتجاعی، نتیجه زحمات قبلی را بر باد می‌داد:

و لَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا... (نحل: 92)

و همانند آن زن مباحشی که رشته‌ای را که محکم تافته بود، از هم گشود و قطعه قطعه کرد...

برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی

زمینه‌های اقتصادی، نشانگر آن است که هم در دست گرفتن مسئولیت‌های کلیدی اقتصادی هم چون برنامه‌ریزی و مدیریت توسط زنان رواست و هم این که آنان قادرند استعدادهای خود را در این امور به منصفه ظهور برسانند و حتی در برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت‌های کلان نیز به توفیق دست یابند.

آن هنگام که هدهد در توجیه علت تأخیر خود، جریان رویارویی با قوم سبا را به سلیمان علیه السلام گزارش داد، گفت:

إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ. (نمل: 23)

من زنی را یافتیم که بر آنان فرمانروایی می‌کرد و از همه چیز برخوردار بود و تختی شگرف داشت.

در این آیه، جمله "اوتیت من کل شیء" توصیف کاملی از وسعت مملکت و عظمت سلطنت آن زن ارایه کرده و همین خود قرینه است بر این که منظور از "کل شیء" در آیه، هر چیزی است که سلطنت عظیم محتاج به داشتن آن‌هاست، مانند جزم، احتیاط، عزم، تصمیم راسخ، سطوت، شوکت، آب، خاک بسیار، خزینه سرشار، لشکر و ارتشی نیرومند و رعیتی فرمانبردار که هدهد از بین همه اینها، تنها نام "عرش عظیم" را برد. و در واقع عرش عظیم ملکه سبا، سمبل رشد و توسعه اقتصادی آن کشور بود که آن نیز محصول برنامه ریزی صحیح، مدیریت شایسته و نظارت دقیق و مستمر آن بانو بر شئون اقتصادی آن جامعه بوده است.

ایثار

انفاق مالی و کمک به محرومان گر چه عملی بسیار ستوده است، اما آن گاه که در شرایط تنگ‌دستی و سختی و نیاز کامل به آن مال صورت پذیرد، از ارزشی بسیار بالاتر برخوردار شده و تحت عنوان "ایثار"، در زمره یکی از والاترین افعال اخلاقی قرار می‌گیرد، یکی از دلایلی که باعث شده تا این انفاق با این عظمت در قرآن مطرح شود، همین است که در زمانی انجام شد که خود اهل بیت‌علیهم السلام بیشترین نیاز را به این چند قرص نان داشتند، زیرا از طرفی روز را با روزه سپری کرده بودند و از طرف دیگر برای روزه فردا احتیاج به غذا داشتند. قرآن کریم با تعبیر "علی حبه" پرده از نیاز شدید آنان به غذا برداشت:

و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا. (دهر: 8)

و خوراک را با وجود دوست داشتنش، به فقیر و یتیم و اسیر اطعام می‌کنند.

گرچه گفته شده که ضمیر در "علی حبه" به خدا بر می‌گردد و معنی آیه این است که: "خوراک را به‌خاطر دوستی خدا به فقیر و یتیم و اسیر اطعام می‌کنند"، ولی از آن جا که در آیه بعد اشاره به نیت و غرض خالصانه آن‌ها می‌کند، معنی اول برای آیه مناسب‌تر به نظر می‌رسد. به‌ویژه آن که در آیه: "لن تالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون" هرگز به نیکی دست نیابید مگر آن که از آن چه دوست می‌دارید بخشید، نیز چنین مضمونی مطرح شده و شاهدی بر ایثار اهل بیت‌علیهم السلام در این انفاق است.

در مورد دیگری، خدای تعالی آشکارا از "ایثار" استفاده نموده و با این تعبیر از وجود مبارک علی و فاطمه علیهما السلام تقدیر به عمل می‌آورد:

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِثُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (حشر: 9)

و کسانی که پیش از آنان (مهاجران نیازمند) در سرای اسلام (مدینه) جای گرفتند و ایمان را پذیرفتند، کسانی را که به سوی آنان هجرت کرده‌اند، دوست می‌دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است، در دل خود احساس نیاز نمی‌کنند و (آنان را) هر چند خود نیازمندی داشته باشند، بر خود بر می‌گزینند؛ و کسانی که از آزمندی نفس خویش در امان مانند، آنانند که رستگارانند. (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، سال 90)

نتیجه

از آیات یاد شده می‌توان استفاده کرد که اسلام نسبت به اشتغال زنان دید منفی ندارد و کار و تلاش اقتصادی را در خانه یا در بیرون از خانه برای زن ممنوع نکرده است. اگر آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» از برخی از معاملات نهی کرده و آن را باطل دانسته، برای همه است و تفاوتی میان زن و مرد نیست. جنسیت در هیچ یک از انواع معاملات و تجارات، دخالت ندارد. این گونه نیست که زن به دلیل جنسیت، از برخی از معاملات ممنوع، و مرد مجاز باشد. به همین سبب می‌بینیم در کتاب‌های فقهی، زنان از تجارت یا قراردادی استثنا نشده یا از اختیار شغل خاصی منع نگردیده‌اند. بلی، کارهایی همچون قضاوت، ولایت و رهبری و امامت جماعت (البته اگر ماموم زن

باشد، امامت زن به فتوای برخی مراجع مجاز است. (برای زن ممنوع است، اما این ها تخصصاً از موضوع بحث خارج هستند؛ زیرا در فرهنگ اسلامی، به هیچ یک از این امور به عنوان شغل نگاه نمی شود تا گفته شود در اسلام برخی از شغل ها ویژه مردان است و زنان را در آن راهی نیست.

تذکر این نکته نیز ضروری است که آنچه به عنوان دیدگاه قرآن، در ارتباط با اشتغال زنان بیان شد مربوط به نفس کار و تلاش اقتصادی و بیان جواز این عمل برای زنان است.

یکی از اساسی ترین اهداف تشکیل خانواده بقای نسل و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه است و توسعه و رشد اقتصادی در گرو نیروی کار فعال و تحصیل کرده است؛ این افراد نوعاً از میان خانواده‌ای برنامه ریز، منظم و مشوق بیرون می‌آیند. زنان با فراهم کردن و آماده ساختن محیطی با نشاط و صمیمی برای تأمین نیازهای مادی و معنوی و توجه نمودن به بهداشت روحی، جسمی و روانی اعضای خانواده، اثر مستقیم بر اقتصاد جامعه می‌گذارند. البته لازم به ذکر است که جهاد اقتصادی امری نیست که مخاطبان آن صرفاً سرمایه داران یا تولید کنندگان و امثال آنها باشند بلکه هر شخصی، حتی یک زن خانه دار هم آن مقدار که زندگی اش با اقتصاد ارتباط برقرار می کند، می تواند در عرصه این جهاد، مشارکت جدی داشته باشد و نقش آفرین شود. اگر به تعبیر قرآن کریم، منافقان می پندارند که با ایجاد مشکلات اقتصادی می توانند نظام دینی را زمین بزنند، ما هم باید با جهاد اقتصادی خویش، پندار آنها را نقش بر آب کنیم.

بنابراین:

1- اسلام زنان را برای فعالیت اقتصادی آزاد گذاشته و به آنها استقلال و آزادی داده و او را مالک مال و کار خویش کرده و حق قیمومیت را در معاملات زنان از دیگران سلب کرده و در عین حال با برداشتن مسئولیت تأمین بودجه ی خانوادگی از دوش زن، آنها را از هر نوع اجبار و الزامی برای پذیرش فعالیت اقتصادی معاف کرده است حتی اسلام برای زن مهریه و نفقه قرار داده و پرداخت آن را بر مردان واجب کرده است. مرد نمی‌تواند زن را وادار به کاری کند و اگر زن به دل‌خواه به کاری که متناسب با شأن و شئون او و در حریم معاملات شرعی قرار دارد، مبادرت ورزید و مالی را به دست آورد، مرد حق ندارد بدون رضای او در آن ثروت تصرف کند؛ در عین حال بر مرد لازم است که مخارج و هزینه های خانواده را تأمین کند. اسلام به زن حق تحصیل ثروت و استقلال کامل اقتصادی داده است.

2- در معاملات و تجارت، جنسیت هیچ نوع دخالتی و محرومیتی برای زنان ایجاد نمی‌کند و شرایط کاری برای هر دو جنس برابر می‌باشد. (ایجاد کار)

3- چه زن و چه مرد هر کدام ذوق و تواناییها و استعدادهای خود را شناسایی کرده و نسبت به آن وارد بازار کار شده در غیر این صورت هر فعالیتی که انجام دهند، منجر به شکست خواهد شد. و با رعایت این نکات و با دور کردن ممانع و مشکلات، با راهکارهای ارائه داده شده می‌توانند در بازار کار و شغل خود موفق باشند. اما در صورت افت کارایی زنان در محیط خانواده باید خانواده را بر کار ترجیح دهند و برای حفظ آن کوشش کنند بر اساس اصل اهم بر مهم. زیرا کار خانگی برای زنان ارجع بوده و رکن اصلی خانواده به حساب می‌آیند و در این امر نباید هیچ کوتاهی داشته باشند.

4- خانمهایی که می‌خواهند وارد بازار کار شوند می‌توانند به عنوان سرمایه‌از مهریه و ارث و... استفاده کنند که خداوند آنرا برای ایشان هدیه داده‌است. البته خانمهایی که توانایی کاری غیر از کارخانه را ندارند می‌توانند این سرمایه‌های خدادادی را ببخشند.

5- امیدواریم که اجتماع و فرهنگ و... برای رفع حل ممانع موجود بر سر راه ترقی و پیشرفت تحصیلی و... زنان اقداماتی مثبت به عمل آورند تا زنان نیز در موقعیتهای شغلی مناسب ایفای نقش نمایند البته به صورت مثبت و موثر برای جامعه‌ای ایده‌ال.

هر چند داستان زنان متعددی در قرآن بیان شده که هر یک الگویی برای زنان مسلمان به شمار می‌روند، ولی متأسفانه تلاش چندانی در راستای آشنا ساختن جوانان با این الگوها صورت نگرفته است. برای نمونه، زوایای زندگی همسر فرعون که اسوه ایمان است، مادر موسی علیه السلام که الگوی تسلیم در برابر خداست، خواهر موسی علیه السلام که نمونه هوشمندی و درایت است، همسر موسی علیه السلام که اسوه حیا و حسن انتخاب است، ساره که سرمشق خانه‌داری است نیز برای دختران و زنان جامعه ما ناآشناست، بسیار بجاست که در این زمینه تلاشهای پژوهشی و برنامه‌ای جدی‌تری انجام گیرد.

1- انتخاب و معرفی زنان نمونه کشور بر اساس شاخص‌های زنان الگو در قرآن

همچنان که اشاره شد، گزینش زنان نمونه در جامعه ما از مبنای صحیحی برخوردار نیست؛ از این رو، در معرفی زنان نمونه، شاهد عدم هماهنگی افراد معرفی شده با شاخص‌های زن الگو در قرآن هستیم. برای مثال، در گزینش کارمند زن نمونه، به وجدان کاری، انضباط اجتماعی و ابتکار و خلاقیت فرد توجه می‌کنیم. در حالی که قرآن کریم در معرفی زن نمونه در زمینه کار، مسئله توجه به حلال و حرام و رعایت عفاف در برخورد با نامحرم را نیز مد نظر قرار می‌دهد، بنابراین، بسیار به جاست که زنان موفق و منطبق با الگوهای قرآنی در ابعاد مختلف، شناسایی و به مردم معرفی شوند. صدا و سیما می‌تواند همان‌گونه که فرهیختگان، هنرمندان و ورزشکاران و... یک سال را معرفی

و در مراسمی از آنان تجلیل می‌کند، زنان نمونه از ابعاد مختلف را که باشاخص‌های قرآنی هماهنگی دارند نیز معرفی و از آنان تجلیل نماید و برای سایر زنان و دختران الگوسازی کند.

2- برگزاری میزگرد و همایش با حضور کارشناسان در راستای بررسی ابعاد شخصیتی زنان الگو در قرآن

پرداختن به سؤالاتی مانند سؤالات تخصصی که در پی می‌آید و بررسی و موشکافی جوانب مختلف آن‌ها در این جلسات، نقش بسیار مؤثری در بالا بردن سطح تربیت دختران و زنان جامعه خواهد داشت.

3- نقد فمینیسم بر اساس الگوهای قرآنی

با توجه به رشد ابتدایی فمینیسم در جوامع مسیحی، ارایه الگوهای قرآنی که بیشتر مربوط به پیش از اسلام بوده‌اند، نقش خاصی در ابطال مبانی فمینیسم بر اساس شخصیت‌های مورد قبول مسیحیان خواهد داشت.

4- نقش زن در اقتصاد خانواده ، همواره بر اساس مطلوبیت خانوار و ترجیحات فرهنگی و اجتماعی و صرف وقت در محیط خانه برای تامین نیازمندی‌های خانوار یا مصرف همان زمان در محیط خارج از خانه ، یا حتی کارهای اقتصادی داخل منزل ، باید مورد توجه مدیران بالای جامعه قرار گیرد ؛ بدیهی است غفلت از این امر یا پرداختن به نقش‌های فرعی و حاشیه‌ای زن ، ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر شخصیت او و نیز کاهش بهره‌گیری اجتماعی از توان‌خدادادی این موجود نقش‌آفرین خواهد شد.

پس مهمترین علل نابرابری اشتغال زنان در مقایسه‌ی با مردان را می‌توان در نگرش‌های جنسیتی ، علل برابری در فرصت‌های شغلی و بازداشتن زنان از مشاغل کلیدی و واداشتن به مشاغل حاشیه‌ای همچون منشی‌گری ، ماشین‌نویسی و ... همچنین وضعیت فیزیکی و وضع آموزش و از همه مهم‌تر قوانین حمایتی بدون ضوابط مکمل کافی و نهایتاً فرهنگ جامعه دانست . تقسیم جنسی در ایران به علل و عوامل چندی مربوط است که از جمله می‌توان آموزش ناقص ، آداب و رسوم اجتماعی ، پایین بودن سطح آموزش فنی و حرفه‌ای زنان نسبت به مردان را نام برد . این تقسیم کار آثار و نتایج ناخوشایندی برای شاغلین زن داشته و در نتیجه موجب بروز تبعیضاتی شده است.

منابع :

* قرآن کریم

1- اسحاقی سید حسین ، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی ، مرکز نشر هاجر ، 1390

2- اسماعیلی شهلا، فعالیت اقتصادی زنان، 1390

- 3- آهودشتی عفت ، نقش زن در اقتصاد جامعه ، نشریه حمایت ، 1383
- 4- تربیت الگویی زنان در قرآن، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما
- 5- توانافر ، فعالیت اقتصادی زنان ، ماهنامه پیام زن ، شماره 234
- 6- حسینیان احمد، راز آشکار ، موسسه فرهنگی انتشاراتی آیه و موسسه انتشارات هفت 1380
- 7- رئیسی مهدی ، کنوانسیون زنان ، نسیم قدس 1382
- 8- طاهری نیا احمد، فعالیت اقتصادی زنان از دیدگاه قرآن ، ویژه نامه فرهنگ عمومی، 1390
- 9- طباطبایی سیدمحمد حسین. تفسیر المیزان، جلد 20 و 5
- 10- فرهنگ منوچهر ، فرهنگ بزرگ اقتصادی ، تهران ، البرز، 1371
- 11- قائمی علی ، نظام حیات خانواده در اسلام ، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران 1375
- 12- قربان نیا ناصر و همکاران ، باز پژوهی حقوق زن، جلد دوم ، انتشارات روز نو 1384
- 13- قره باغیان مرتضی ، فرهنگ اقتصادی و بازرگانی ، چ دوم ، رسا ، 1376
- 14- مرادی مجید - فضل الله محمد حسین ، جایگاه و حقوق زن در قرآن ، نشریه بشارت ، شماره 15